

گزارش اولین همراهی...

خیریه بیگم حائری زاده

در سه تیم اعزامی به المپیادهای جهانی در هنگ کنگ، چین و سوئد در مجموع چهار تن از دانش‌آموزان دختر حضور داشتند در سفر به سوئد به همراه تیم، رئیس مرکز آموزشی فرزندان تهران اعزام گردید. با هم این گزارش را می‌خوانیم.



در سال جاری برای اولین بار چهارتن از دختران دانش‌آموز کشورمان در المپیادهای ریاضی، کامپیوتر و فیزیک پذیرفته شدند. مسئولین امر این تجربه جدید را با تجربه دیگری در هم آمیخته و خانمها را به سرپرستی گروه برگزیدند. به این ترتیب یک خانم همراه گروه ریاضی و یک خانم همراه گروه کامپیوتر اعزام گشتند.

اینجانب همراه گروه کامپیوتر اعزام شدم. از آنجا که ابلاغ کتبی دریافت نکرده بودم، سرانجام متوجه نشدم ستم در گروه از دیدگاه مسئولین المپیاد چه بود؟ ولی در محل برگزاری المپیاد در مقابل نام خود کلمه VISITOR را مشاهده کردم.

مهمترین مسئله ای که از ابتدا با آن روبرو بودم نداشتن اطلاعات کافی بود. به هر حال بانگرنیهای بسیار ناشی از فقر اطلاعاتی روز جمعه ۱۰/۴/۷۳ ساعت ۷/۳۰ صبح در فرودگاه مهرآباد تهران حضور یافتم.

به علت توقیفی که در فرودگاه فرانکفورت داشتیم، قرار شد وسایل ما مستقیماً به استکهلم ارسال گردد و این مسئولیت به عهده آقای ملک عباسی بود که می‌بایست چمدانهای بدون نام و نشان را که در یک سمت از سالن فرودگاه قرار گرفته بود، ارسال دارند که مسلماً کاری بسیار وقت گیر و سنگین بود.

دانش‌آموزان اعزامی با هدایایی که از آشنایان خویش دریافت کرده بودند در فرودگاه حاضر بودند. این هدایا که به دلیل عدم تجربه به تعداد زیاد و در کیسه‌های غیرقابل اعتماد گذارده شده بودند، حرکت دانش‌آموزان را مشکل کرده بود.

قبل از حرکت در پایون فرودگاه یادداشتی دریافت کردم بدین مضمون «شما با پرواز ساعت ۱۵/۴۰ به استکهلم خواهید رفت و سایر اعضاء گروه با پرواز ساعت ۱۸».

بعد از رسیدن به فرانکفورت به دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران مستقر در فرودگاه مراجعه کردیم متوجه شدیم که هر دو پرواز برای تمامی اعضاء گروه تأیید شده است. پس از مراجعه به شرکت هواپیمایی لوفت هانزا که پرواز ما به سوئد از طریق این شرکت انجام می‌گرفت، پرواز ساعت ۱۵/۴۰ تأیید و پروازهای بعدی حذف گردید و همگی ساعت ۱۵/۴۰ با پرواز ۳۰۷۲ اعزام استکهلم شدیم.

در فرودگاه Arlanda، دو گروه منتظر ما بودند. گروه اول آقای سریزدی (دبیر دوم سفارت ایران در سوئد) همراه با یک راننده از سفارت ایران و گروه دوم یک خانم و یک آقا از محل برگزاری المپیاد. نداشتن اطلاعات کافی باعث شده بود بی‌جهت برای سفارت ایران مزاحمت ایجاد کنیم. از مسئولین برگزاری المپیاد عذرخواهی کردیم و با ماشین سفارت اعزام محل برگزاری المپیاد شدیم. در طول مسیر آقای سریزدی اطلاعات بسیار ارزشمندی درباره سوئد در اختیار ما گذاشتند. البته شاید بهتر بود این اطلاعات قبلاً از سفارت دریافت می‌شد و از طریق بروشور در اختیار ما قرار می‌گرفت.

محل استقرار ما در یک هتل در شهر «هانینگه» در جنوب استکهلم بود بعد از رسیدن به هتل من همراه با ۴ دانش آموز اعزامی در هتل Najaden استقرار یافتیم و آقایان دکتر قدسی و دکتر مهدوی به محلی در نزدیکی هتل هدایت شدند. در این جا لازم است از برخورد بسیار صمیمی و دوستانه آقای سریزدی با گروه بگویم که قابل تحسین و موجب دلگرمی بود. روز شنبه ۷۳/۴/۱۱ ساعت ۹ آقای سریزدی طبق قرار قبلی به سراغ ما آمدند. از ساعت ۹ تا ۱۱ به تماشای شهر استکهلم رفتیم. ساعت ۱۱ با سفیر ایران در سوئد ملاقات داشتیم. سفیر ایران از اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سوئد برایمان صحبت کردند و بعد از صرف نهار در فضایی بسیار دوستانه و صمیمی، با ماشین سفارت به هتل برگشتیم.

روز یکشنبه ۷۳/۴/۱۲ صبح با دانش آموزان در اطراف قدم زدیم. نهار کمی برنج و سبزیجات پخته خوردیم به مسئولین آشپزخانه گفتیم که ما فقط ماهی می خوریم. پرسیدند که مسلمانان فقط گوشت خوک نمی خورند، آیا شما گوشت گوساله هم نمی خورید؟ و ما پاسخ دادیم در این جا نمی خوریم، چون گوساله باید در شرایطی ذبح شود تا برای ما قابل خوردن باشد. از آن روز به بعد نهار و شام ماهی و سبزیجات پخته برایمان آماده بود و جالب اینکه هر وعده یک نوع ماهی و با یک طبخ جدید. در مورد غذا من و دونفر مسئول دیگر مشکلی نداشتیم. آقای «فولادگر» دومین سالی بود که اعزام می شد و نسبت به سه نفر دیگر مشکل کمتری داشت ولی خوردن ماهی دو وعده در روز آن هم با طبعی خلاف عادت، برای دانش آموزان بسیار مشکل بود.

خوشبختانه صبحانه بسیار مفصلی داده میشد و دانش آموزان این فرصت را داشتند که یک وعده غذای کامل بخورند. روز یکشنبه دانش آموزان برای گرفتن کارت به «RIKSAPPLET» رفتند. «RIKSAPPLET» در محل برگزاری امتحانات در حقیقت یک موسسه تربیت فوق دیپلم بود و در نزدیکی هتل قرار داشت که با استفاده از تعطیلات در اختیار مسئولین برگزاری المپیاد قرار داده شده بود. نهار و شام در همین محل و صبحانه در هتل داده می شد.

دوشنبه ۷۳/۴/۱۳ ساعت ۱۰ صبح مراسم افتتاحیه در محل ورودی، طبقه همکف محل امتحانات بود. از هر کشور یک نفر پرچم کشورش را حمل می کرد. روز قبل از مراسم، افراد گروه متوجه شدند که پرچم ایران واقع در محل مراسم نامناسب است. موضوع به آقای سریزدی اطلاع داده شد و قرار شد ایشان صبح دوشنبه پرچم جدید و مناسبی در اختیار مسئولین قرار دهند. از ایران شادی رستمی مسئول حمل پرچم بود.

برنامه افتتاحیه بسیار ساده ولی جالب بود، در پایان صحبت کوتاه شهردار هانینگه، مسئول برگزاری المپیاد و دونفر دیگر قسمتی از سرود ملی کشورها به ترتیب حروف الفبا نواخته شد و در فضایی کوچک دانش آموزانی که مسئول حمل پرچم کشورهایشان بودند، رژه رفتند. بعد از ظهر دوشنبه دانش آموزان برای کار با کامپیوتر به کلاسهای انستیتو راهنمایی شدند. برگزارکنندگان المپیاد، روزهای دوشنبه ۷۳/۴/۱۳ الی شنبه ۷۳/۴/۱۸ را برنامه ریزی کرده بودند.

لازم است یادآوری شود که کامپیوتر از نظر سخت افزار و نرم افزار در حال پیشرفت است و دانش آموزان ما با کامپیوترهای با سرعت بالا کار نکرده بودند تا حل مسائلی را در ۳۰ ثانیه یا ۹۰ ثانیه تجربه کنند. علاوه بر این الگوی کار بچه ها در آماده شدن برای المپیاد، نمونه مسئله های سالهای قبل بود در حالی که مسایل امسال کاملاً جدید بود و برای دانش آموزان ما نسبتاً تازگی داشت و آنان با تکیه بر هوش و خلاقیت خویش توانستند مسائل را حل کنند.

در مراسم اختتامیه که روز شنبه ۷۳/۴/۱۸ برگزار شد، سفیر ایران در سوئد حضور یافتند و گروه را در روز یکشنبه برای صرف نهار به سفارت دعوت کردند.

نکته قابل توجه در مراسم اختتامیه موفقیت «شادی رستمی» بود، بعد از مراسم گروه های سایر کشورها نزد ما می آمدند و موفقیت شادی را به ما و خودش تبریک می گفتند.

شاید زمان آن رسیده باشد که ما در عمل شخصیت علمی و فرهنگی دختران جامعه خویش را در معرض دید و باور جهانیان قرار دهیم.

روز یکشنبه ۷۳/۴/۱۹، بعد از صرف نهار، سفیر ایران به رسم یادبود به دانش آموزان هدیه دادند.

سوئد از کشورهایی است که سابقه تاریخی بسیار کمی دارد ولی سوئدیها مصممند تاریخ گذشته خود را مدون کنند و زنده نگهدارند.

یکی از آثار این تلاشها، کشتی واسا "VASA" است. این کشتی در سال ۱۶۲۸ ساخته شد که به محض ورود به دریا غرق گردید ولی در سال ۱۹۶۱ یعنی ۳۳۳ سال بعد کشتی را از آب درآوردند و در حال حاضر در یک موزه که ساختمان بزرگی دارد، در معرض تماشا گذاشته‌اند. مهمات و وسایل آن در طبقات مختلف موزه به نمایش گذاشته شده و در سالن بزرگ سینمای موزه عملیات بیرون آوردن جهت افراد به نمایش گذاشته می‌شود.

در سالن طبقه اول "RIKSAPPLET" هم چند قطعه چوب از بدنه کشتی در داخل و بترینهای بزرگ نماینده فرهنگ و تمدن سوئد در معرض دید گذاشته شده است.

روی دیوار هتل اقامت ما نیز چندین عکس و نقاشی از کشتی واسا نصب شده بود. دیدن موزه واسا و اهمیتی که سوئدیها به مدون کردن تاریخ تمدن خود می‌دهند برای من بسیار آموزنده بود.

نکته قابل ذکر دیگر رفتار احترام آمیز مسئولین برگزاری المپاد در برخورد با عقاید ما بود. در اولین برخورد با اینجانب که متوجه قیودات یک زن مسلمان شدند تا آخرین روز سفر، همگی، نکات لازم را مراعات می‌کردند و هر چند اولین برخورد برایمان همراه با تنش بود ولی تا روز آخر دیگر هیچ مشکلی در این زمینه نداشتیم.

بعد از موفقیت شادی رستمی، تعداد زیادی از سرپرستان گروه‌ها، با او راجع به حجاب، تحصیلات و آینده شغلی‌اش به بحث و گفتگو پرداختند. موفقیت شادی رستمی و تسلط او به زبان انگلیسی، متانت و وقار و رعایت حجاب و سایر شئون اسلامی‌ا، برای همه جالب توجه بود.

دانش آموزان گروه اعزامی در طول سفر با حسن رفتار خویش و ارتباط صمیمانه‌ای که در آخرین شب اقامت با دانش آموزان سایر کشورها برقرار کردند خاطره‌ای خوش از این سفر در ذهن ما به جای نهادند.

در پایان از زحمات جناب آقای دکتر قدسی سرپرست محترم گروه و آقای دکتر مهدوی سپاسگزاری می‌نمایم.

پیشنهادات

- تهیه یک بروشور حاوی کلیه اطلاعات و راهنماییهای لازم برای تمامی گروههای اعزامی
- تهیه هدایای مناسب با پیش بینی قبلی که حاوی پرچم یا آرم جمهوری اسلامی ایران باشد.
- ارتباط بیشتر با سفارتخانه‌های ایران در کشورهای مختلف جهت ارسال نمونه مسائل المپادهای داخلی هر کشور.
- ارتباط با مدرسین و مدیران مرکزی که دانش آموزانشان در مرحله نهایی پذیرفته شده‌اند.

یکی از نقاط ضعف این برنامه مجزا کردن دانش آموز از محیط آموزشی خودش می‌باشد که از نظر تربیتی قابل تأمل است. یکی از مهمترین وظایف ما ایجاد روحیه قدرشناسی در دانش آموزانمان می‌باشد تکیه بیش از حد بر روی خود دانش آموزان بدون در نظر گرفتن زحمات مدرسین چه در طول دوره و چه مدرسین مدرسه محل تحصیلشان و هم چنین محیط آموزشی آنان باعث تغییر شخصیت آنان می‌گردد. جالب توجه است آقای دکتر اعتمادی معاونت محترم وزیر علوم در مراسمی که از طرف اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران به مناسبت موفقیت دانش آموزان تهرانی برگزار شده بود، فقط دو عامل را سبب موفقیت دانش آموزان دانسته‌اند:

۱- خانواده ۲- تلاش و پشتکار خودشان و این مطلب در حضور مدیرکل محترم آموزش و پرورش شهر تهران و تعدادی از معاونین و مدیران مناطق آموزشی تهران ایراد شد. گویا ایشان به کلی از آموزش و پرورش ناامید بودند و جناب مدیرکل هم به این امر اعتراضی نداشتند.

در طول تمامی مراسم همه تلاشها و فعالیتها نادیده انگاشته شد و بدیهی است که این رفتار تأثیرات سوء تربیتی خویش را برجای گذاشت.

امید است در جلسات حضوری که دست اندرکاران با مسئولین امر دارند جدای از تعارفات، نکات ضعف این برنامه‌ها مورد

کنکاش و بررسی جدی قرار گیرد تا از این رهگذر فوایدی نیز نصیب عزیزان پیروزمان گردد. وقتی مسئولین امر کوچکترین توجهی به مدرسین آنان ندارند آیا انتظار می‌رود که آنان از صمیم قلب به این پندار برسند که هر چه داریم از خداست.

○ ○ ○